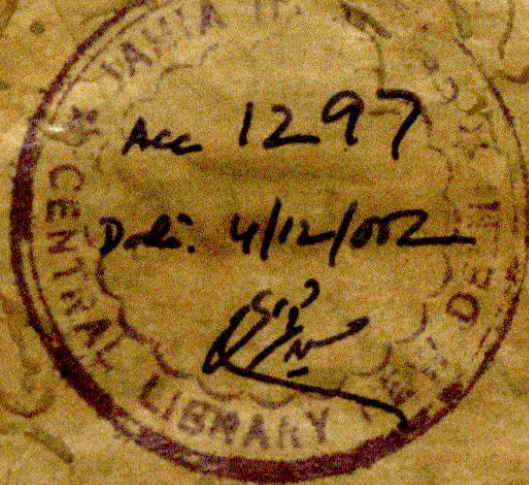




1500.1
2.18

بسم الله الرحمن الرحيم
شانی که از اندازدهم هندس ضرورت است
مقدوریت که دایره علم فیش محط افطار رسوا ام کتاب
و سبب سی که از مقباس قیاس عقل افزونت سزاوار
کویت که تخم اراده فیض عمیش اصل باغ مربع عین
دستکشش جهت موجود است و در او دپحد و صلوا
بیعدنثار صحت مقام قاب قوسین و ادنی که کا
انام را از مغرته افراط و حاده تغرطه که داشتند
اعتدال بهری نمود و از تماثل تلیت و تربیع باز او
نخط استقیم و حید دلاله فرمود **بعد** از رضایه ذوی البیاء
مخفی نماند که این رساله ترجمه کتاب اشکال التاسیس است
که برینت انخاف مجلس فیض مونس نواب مستطاب معالی القاب

حاجان

عالمیان مابین صاحب قبله استخوان خان و الشان محمد
یار خان سلمه الله تعالی بقاء بنده کمترین امام اله
بن لطف الله نخر بر نموده و بقدر ضرورت فناء اشکال
از لواحق آن اشکال بکشوده و چون بهمین توجه خاطر
مهرمانز حلیه تمام و برای به انجام یافت بفارسی هستند
مسبب ساخت و این ساله شتم است بر مقدمه و سی
پنج شکل **مقدمه** در میاد است نقطه خبر است که قابل
اشارت حسنی باشد و اصل قسمت بد بر نبود و خط طول است
فقط که عرض و عمق دارد و اگر کجیب حس منتهی شود
نهایتش نقطه باشد سطح مقدار است که او را طول و
عرض باشد فقط نه عمق و اگر کجیب منتهی نشود نهایتش
خط باشد تعلیم مقدار است که او را طول و عرض
و عمق باشد و نهایتش سطح است از او به برد و قسمت سطح
و مجسمه سطح بلند است که در موضع ملاقات دو خط غیر **مسطح**
منتهی باشد همچنین آن بر سه قسم است از او به

و آن یکی را زاویه مساویست که از دو پهلو می خط
مستقیم که بر مثل خود قائم شود بهم رسند همچنین
قائم را عمود نامند و زاویه حاده زاویه است که کوچکتر
از قائمه باشد و زاویه منفرجه زاویه است که کثاده تر از
باشد همچنین شکل مثلثی است که از اضلاع دو واحد یا
بیشتر حاصل شود مثلث شکلی است که از اضلاع
شبه خط مستقیم حاصل شود همچنین مربع شکل است
که هر چهار ضلع او مساوی یکدیگر
باشند و هر چهار زاویه او قائم همچنین کعب مثلثی است که
مستطیل شکل است



که اصلان

مستطیل شکل است

نباشند الا متقابلین

همچنین عین کعب است

اضلاعش همه مساوی

باشند اما زوایای قائمه نباشند برعکس مستطیل

همچنین شبیه بعضی دیگر است

که نه

که نه هر چهار ضلع او متساوی باشند و نه زوایای
قایمه و لیکن برابر باشند هر متقابل از اضلاع
او و زوایای او پنجین و ماورای این

امکان خوف است هر گاهی که باشد خطهای مستقیمه

متوازی به خطوط باشند که هر گز با هم طاق نشوند

و اگر چه کشیده شوند و هر دو جانب لا الی الی

و حاصل ضرب یک مقدار در مقدار دیگر سطحی

متوازی لا اضلاع که احاطه کنند او را در خط

اصول مرقوم **اقلیدس** گفته است که میتوانیم

که وصل کنیم خطی مستقیم در میان هر دو نقطه که

خواهیم و میتوانیم که بر آن خطی مستقیم محدود

براسته تقاطع و قد محدود و ازین سبب است

که ما را بحال بر آوردن خط غیر محدود یعنی نامتناهی

نیست بواسطه وجوب انتهایی ابعاد و میتوانیم

که رسم کنیم بر هر نقطه که خواهیم و بهر بعد که خواهیم

دایره و این طلاق بر تقدیری صحیح است
از تشخیص خط بر تخمین و توهم و مجازش اکتفا نمائیم
و الاخطیط بالفعل در بعض صور متعذر است
مانند وصل کردن خط مستقیم قلابین فلک
و باید دانست که زوایای قائمه همه برابر باشند
و دو خط مستقیم بسط خط شوند اگر دو خط
خط مستقیم به خط مستقیم یا زیاد به بر استقامت
متصل نتواند شد و اشکال هندسی و پنج است
اول چون خطی مستقیم بر محل خود قائم شود هر دو
که در جهتهین آن خط قائم پیدا شوند با قائمیتین
و باشند نامساوی قائمیتین مانند خط **ا ب** که قائم است
بر خط **ح د** و از دو طرف خط **ا ب** دو زاویه

ا ب پیدا شده پس اگر خط **ا ب** عمود
باشد بر خط **ح د** آن هر دو زاویه قائم باشند
زیرا که آن هر دو درین صورت با هم برابر باشند